

چرا حمید لیخنده، خالق سریال‌های ماندگار «در پناه تو» و «در قلب من» یکی از اثرگذارترین کارگردان‌های تلویزیون بود؟

در پناه قلب مخاطب



خبرنگار گروه فرهنگ

خبر فوثن را که شنیدم، یاد تلاش‌ها و تماس‌های این دوسال افتادم برای مصاحبه؛ مصاحبه با حمید لیخنده، کارگردان محبوب سریال‌های محبوب دههٔ ۷۰، سریال‌های دههٔ ۸۰ که علاوه‌بر معرفی چهره‌های تازه به سینما و تلویزیون ایران، توانستند شروع کننده و الهام‌بخش یک مسیر نو باشند. مرحوم لیخنده هر بار با نهایت احترام پاسخ می‌داد علاقه‌ای به مصاحبه ندارد اما حرف می‌زد. دلتش پر بود، از بی‌مهری‌ها، از آتپهایی که فراموشش کردند. ۱۰ سال می‌شد که آتری تولید نکرده‌بود و به بخش بخش‌های سانسورشده سریال‌هایش در صفحه اینستاگرامش پسندیده می‌کرد، سریال‌هایی که در زمان خودشان دچار جرح و تعدیل‌های زیادی شدند که بعدها مشخص شد چندان منطقی نبوده‌است. سکانس‌هایی که با سلیقه‌های شخصی مدیران وقت حذف شدند و بخش آن‌ها در فضای مجازی نشان داد که ماجرا چقدرها هم پیچیده نبوده‌است. حمید لیخنده در ۷۰سال عمرش، حدود ۱۴ فیلم‌وسریال ساخت و یک فیلم سینمایی به نام «ای، تمام سه‌هش از سینمای ایران بود. کارگردانی که بازیگری هم می‌کرد و جالب اینکه چه آنهایی که به‌عنوان بازیگر با او کار کردند و چه آنهایی که به‌عنوان کارگردان، از اخلاق و رفتار حرفه‌ای و انسان‌دوستانه‌اش تعریف می‌کردند و می‌کنند. این تعریف‌ها از جنس تعریف‌های پس از مرگ نیست و در دوران حیاتش هم نمونه‌هایش را شنیده بودیم.

از مجموعه تلویزیونی «اولیان اخبار» که از سال ۶۵ تا ۶۷ از شبکه یک

فرهنگ



بخش می‌شد و مرحوم لیخنده در کنار گروهی از کارگردانان مانند داریوش مودبیان، مرضیه برومند، رضا بابک و هوشنگ توفلی آن را می‌ساختند و اولین حضورش به‌عنوان کارگردان بود تا مجموعه «زهای یک خانه» در سال ۹۰ که دغدغه‌های تئاتری او را پوششی می‌داد حدود ۱۱ سریال توسط وی ساخته شدند که بی‌شک مشهورترین و محبوب‌ترین آن‌ها، در پناه تو، بود؛ سریالی که در فضای خاص و متفاوت دهه ۷۰ روی آنتن شبکه ۲ رفت و جوانان هنرمند و محبوبی را هم به مخاطبان شناساند. لیخنده پیش از «در پناه تو» سریال تاریخی «مهر و ماه» را در سال ۶۹ ساخته بود اما فقط دیده شده بود و آورده‌ای برای وی نداشت. مرحوم لیخنده پس از «در پناه تو» هم سریال‌های قابل‌توجهی ساخت اما هیچ کدام پرآش محبوبیت و مقبولیت این سریال را به ارمان نیآوردند، هرچند هر کدام‌شان به‌اندازه قابل توجهی دیده شدند.

نیما لیخنده، فرزند زنده‌یاد حمید لیخنده به مهر گفته طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده قرار است مراسم خاکسپاری پیکر پدرش روز دوشنبه ۲۰ دی، ساعت ۱۰ در قطعه ۱۱ بهشت‌زهران(س) برگزار شود و دریا را اینکه چرا پیکر زنده‌یاد حمید لیخنده در قطعه هنرمندان بهشت‌زهران(س) به خاک سپرده نمی‌شود، پاسخ داده که خواسته پدر این بود که در قطعه هنرمندان به خاک سپرده نشود و این خواسته را به مادرم گفته بود.

نه به‌خاطر اینکه او را از دست دادیم و از سر لس‌ونزی و احساس، بلکه طبق میزان اثرگذاری یاد بگوییم که تلویزیون ایران یکی از بهترین کارگردان‌های خود را از دست داد و تنها باید افسوس بخوریم که چرا مجالی مهیا نشد برای گفتن و شنیدن حرف‌های ناگفته‌اش.

ثریا قاسمی و ایرج راد از لیخنده چه می‌گویند؟

ایرج راد، بازیگر تئاتر و تلویزیون که سابقه همکاری در دو اثر را مرحوم لیخنده در دو گفت‌وگو با مهر درباره تجربه همکاری با این کارگردان گفته است: «حمید لیخنده در هنرمندان عزیزی بود که سال‌های‌سال بدون هرگونه حاشیه تلاش کرد با آرامش کامل زندگی و کار هنری را ادامه دهد. من در دو سریال «در پناه تو» و «در قلب من» با او همکاری داشتم که هر دو مجموعه از کارهای موفق تلویزیون در زمان خودشان بود. حمید لیخنده چه از نظر اخلاقی و چه رفتاری، انسانی نمونه و هنرمند توانا و ارزشمند بود. حضور در هر دو سریال و همکاری با لیخنده برای من بسیار پراختر است. آرامش و رفتاری که در گروه وجود داشت مثال‌زدنی بود. حمید لیخنده ناشی که لیخنده بود همیشه لیخنه به لب داشت و با مانتات و آسانبیت با همه تعاملش می‌کرد.»

ایمن کارگردان تئاتر درباره ویژگی‌های رفتاری این کارگردان قدیمه ایدم داد: «حمید لیخنده ازجمله هنرمندانی بود که نظم و انضباط برایش حائزاهمیت بود که این ویژگی‌ها از تربیت تئاتری‌اش نشأت می‌گرفت. تمام برنامه‌ریزی‌ها و انتخاب‌های لیخنده در سسر کار از لباس و لوکشین گرفته تا ارتباط با بازیگران و عوامل همگی حساب‌شده بود که من درطول دوران کاری‌ام کمتر فردی را از چنین خصوصیاتی دیدم. هیچ‌گاه پرداخته‌ای که قرار بود به‌س بازیگران و عوامل پیردازه به تویق که

با او نماد

سه چهار سال زمان گذشت تا مرحوم لیخنده سراف کار تازه‌اش بیرون. انگار مخاطبان عادت کرده بودند که حتی کیمیز در آسانبیت سریال‌های هم از خوشی نداشتند. در قلب من به اندازه خودش توانقی که از آن داشتند دیده نشد، اما یکی از پرمخاطباترین سریال‌های زمانه خودش شد. در قلب من در آن زمانه کاری لیخنده، گام‌رو به عقب نبود، اما مشکل اینجا بود که تماشاگران، را با آن کاریایی این کارگردان مقایسه می‌کردند.

فرم سریال‌های (لیخنده‌ای، اما جا افتاده بود؛ استفاده درست و به‌جا از موسیقی و دیالوگ و همچنین انتخاب درست بازیگران که مبتنی بر شناخت تئاتری این کارگردان بود از جمله دلایل موفقیت این سریال‌ها که برای در قلب من می‌شنند. مخاطباتی

یاد او را بدینا معرفی‌کنم، به‌دلیل همین ویژگی برخی آثارش در موزه‌های مختلف جهان ومجموعه‌دان بین‌المللی جای گرفته است. از فعالیت‌های جنبی شو تاآسیب بخش گرافیک در صداوسیما ایران در سال ۱۳۲۷ و راندا ناری بخش گرافیک انتشارات سروش در سال ۱۳۵۰ است. او از موسسان انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، هیاهنگار و برنامه‌ریز اولین دوسالانه پوستر تهران است. از دیگر فعالیت‌های او آموزش هنر گرافیک در دانشگاه‌های معتبر تهران از سال ۱۳۵۵ تا بحال است. او در طول سال‌ها تحصیل و کار حرفه‌ای آثار خود را در زمینه نقاشی، عکاسی، به‌خصوص گرافیک در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی، انجمن گلفارنس و آمریکا به نمایش گذاشته است و آثارش بارها در نشریات جهانی انتخاب و چاپ شده‌اند. انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک (AGI) او را به‌عنوان یکی از ۱۲ طراح گرافیک برتر جهان معرفی کرده و درحال حاضر در موسسه شخصی خود در امر مدیریت، مشاوره هنری و همچنین طراحی گرافیک در زمینه‌های مختلف، طراحی محیطی و نمایشگاهی فعالیت دارد.



یاد او را بدینا معرفی‌کنم، به‌دلیل همین ویژگی برخی آثارش در موزه‌های مختلف جهان ومجموعه‌دان بین‌المللی جای گرفته است. از فعالیت‌های جنبی شو تاآسیب بخش گرافیک در صداوسیما ایران در سال ۱۳۲۷ و راندا ناری بخش گرافیک انتشارات سروش در سال ۱۳۵۰ است. او از موسسان انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، هیاهنگار و برنامه‌ریز اولین دوسالانه پوستر تهران است. از دیگر فعالیت‌های او آموزش هنر گرافیک در دانشگاه‌های معتبر تهران از سال ۱۳۵۵ تا بحال است. او در طول سال‌ها تحصیل و کار حرفه‌ای آثار خود را در زمینه نقاشی، عکاسی، به‌خصوص گرافیک در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی، انجمن گلفارنس و آمریکا به نمایش گذاشته است و آثارش بارها در نشریات جهانی انتخاب و چاپ شده‌اند. انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک (AGI) او را به‌عنوان یکی از ۱۲ طراح گرافیک برتر جهان معرفی کرده و درحال حاضر در موسسه شخصی خود در امر مدیریت، مشاوره هنری و همچنین طراحی گرافیک در زمینه‌های مختلف، طراحی محیطی و نمایشگاهی فعالیت دارد.

دوشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۰ شماره ۳۵۵

۱۲

ادامه از صفحه ۱۳

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با ناهید طباطبایی، نویسنده:



مرحوم لیخنده در ۱۵سالگی به اولین کلاس تئاتر نزدحسینعلی طباطبایی

او در اداره فرهنگ و هنر آثار رفت، او آن‌طور که خودش تعریف کرده در آن کلاس با رضا فیاضی، فرید و علی

سجادی حسینی ورضاخندان همراه بود، وبعدها در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد. حسینیعلی طباطبایی پدر ناهید

محمید لیخنده در ۱۵سالگی به اولین کلاس تئاتر نزدحسینعلی طباطبایی
او در اداره فرهنگ و هنر آثار رفت، او آن‌طور که خودش تعریف کرده در آن کلاس با رضا فیاضی، فرید و علی سجادی حسینی ورضاخندان همراه بود، وبعدها در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد. حسینیعلی طباطبایی پدر ناهید
محمید لیخنده در ۱۵سالگی به اولین کلاس تئاتر نزدحسینعلی طباطبایی
او در اداره فرهنگ و هنر آثار رفت، او آن‌طور که خودش تعریف کرده در آن کلاس با رضا فیاضی، فرید و علی سجادی حسینی ورضاخندان همراه بود، وبعدها در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد. حسینیعلی طباطبایی پدر ناهید
محمید لیخنده در ۱۵سالگی به اولین کلاس تئاتر نزدحسینعلی طباطبایی

پدر من در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در آهواز کلاس‌های تئاتر هنرهای نمایشی فرهنگ و هنر را اداره می‌کرد و تعدادی از پرسرهای دبیرستانی علاقه‌مند به کلاس تئاتر می‌آمدند و سه نفر از اینها آقای لیخنده، آقای فیاضی و آقای خندان بودند. ولی من فکر می‌کنم آقای لیخنده موفق‌ترین بود که از همان موقع نقش‌هایی که پدرم برای تئاتر می‌گذاشتند، اجرا می‌کرد. فکر می‌کنم خودشان هم تعدادی را کارگردانی می‌کرد و بسیار آدم مستعد، خوب، با شخصیت و مهربان بود. طبرانی که من به‌شخصه دارم این است که نمایشنامه مترسک‌ها در شب، را به‌بهرام بیضایی می‌گذاشتند و باستان هم بود و او برای اینکه بتواند در نقش بازی کند روزها پوستین ضخیمی می‌پوشید، من بچه بودم و یادم هست با محبت گفت: «نمی‌زی که این را درم از گرما و در تابسان بپوشیدی» و او گفت نه لازم است؛ باید این کار را انجام دهم و یک لیخنه خیلی موفز زدن و در ذهن من ماند که کسی به‌خاطر علاقه‌اش به تئاتر می‌تواند این گونه در برابر گرما مقاومت کند.

آن دوره که بدتران بزرگاز می‌کردند چه درس‌هایی در آموزشگاه وجود داشت؟
پدر من درواقع دندانپزشک بود اما به‌دلیل علاقه‌ای که به تئاتر داشت و بعد از گذراندن دوره در پاریس و به‌دلیل اینکه ترجمه هم می‌کرد، وقتی به‌آهواز آمدند و این کلاس برپا شد، از تهران به رئیس فرهنگ و هنر که آقای پرورنده بود، گفتند که دکتر طباطبایی اهواز است و بگوید برای تدریس تئاتر بیاید. من در کلاسی‌ها شرکت نداشت‌ام اما می‌دانم تئوری‌های مختلف، بازیگری و حتی حرکات یوگا به آنها یاد می‌دادند تا بدن آماده‌تری داشته باشند. خیلی نمایشنامه‌ها در آنجا اجرا مثل دلت با کلاه و آبی کلاه، و مترسک‌ها در شب.

و بیشتر نمایشنامه‌ها ایرانی بود؟

بله.

براساس همین آشنایی صحبتی نشد که بخواهند داستان‌هایی از شما را فیلم یا سریال کنند؟
اتفاق آخرین صحبتی که داشتیم این بود که رمان «آبی و صوفی» را خوانده بودند و دوست داشتند کار کنند ولی تهیه‌کننده پیدا نکردند. با یکی از تهیه‌کنندگان بزرگ صحبت کردند اما گویا موافقت نشد و گفتند که سریال‌های عاشقانه و چهره‌ای شبیه این را می‌خواهند. بعد قرار شد که من چند طرح را به وی بدهم، بعد اجازه صرف عبداللهی پیدا شد که من داویش بدم. زنگ زد و دعوت‌شان کردم اما گفتند، من بیمارستان هستم و تحلیل‌های خیلی پی‌فرام. یکی دو بار دیگر هم در واتساپ صحبت کردم و فیمیدم وفتانده مثل: «جانی دیروز (یک روز قبل از فوت مرحوم لیخنده) هم یک پست حد اکثری تأکید داشت و بخشی هم که مصداق آوردن از اقدامات اخیر تلویزیون در بحران بزبنی وجودت اصفان نشان داد که چطور سرانجام این اتفاق رسانه‌ای و این مدل پوشش خبری، باعث خدشه به اعتماد مردم به فضای رسانه‌های رسمی کشور شد.

شبکه مستند جمعه ۱۷ دی‌ماه مستندی به نام «روایت اول» پخش کرد که با مرور اخبار حادثه تلخ سقوط هواپیمای اوکراینی در سال ۹۸ به گفت‌وگو با روزنامه‌نگاران و کارشناسان رسانه درباره پوشش رسانه‌ای و واقع‌پرداخت. این مستند با سردار حاجی‌زاده و سخنان او در نشست رسانه‌ای و توضیح درباره آنچه نسبت به واقعه هواپیمای اوکراینی رخ داده بود، شروع شد.

برای تهیه این مستند گفت‌وگوهایی هم با روزنامه‌نگاران دیگر با فرآیند اطلاع‌رسانی این رویداد، انجام شد؛ است تا نظرات کارشناسی هوزر رسانه هم در متن مستند جای گرفته باشد. عبدالله گنجی مدیرمسئول روزنامه‌های مشهور و تحلیلگر سیاسی، سیدعلی میرفتح سردبیر اسبق روزنامه اعتماد، مسعود فروقی سردبیر روزنامه «فرهیختگان» و آرش خوشخو سردبیر و مدیرمسئول روزنامه هفت صبح، ازجمله چهره‌های رسانه‌ای بودند که در این مستند با آنها گفت‌وگو شد و درباره عملکرد رسانه‌های خود و فضای رسانه‌ای جامعه در زمان وقوع این حادثه تلخ سخن گفتند.

پخش این مستند در تلویزیون در نوع خود اتفاق درخور و البته لازم بود. «ما در حالیکه در تلویزیون

پخش از این بارناست و به‌رحان این کالن کشور در انفعال به سر برده‌وموسی کرده‌ان را نادیده‌بگیرد

و حالا با یک نگاه آسیب‌شانه سعی در بازخوانی یک زخم کهنه اما فراموش‌نشدن داشته است.

سوال براین‌همچنان وجود دارد؛ آن‌انی‌که نام که مخاطب، ما در این قضیه، چه کنیم؟ چند

برای سوالات و سئوال‌های مختلف، به این‌ها پاسخ باید به کجا مراجعه کنیم؟ دوگانی زیادی در جریان سقوط

هواپما وجود داشت، از صداوسیما هم گزاره‌ها، اما در این‌ها خدانه‌خوایم بگویم یا بحث بعضی

علتها را که برای ما مشخص نشده، این است که چرا پروازها را لغو نکردند؟ چرا بعد از دو سال

هنوز به من مادر یک نفر زنگ نزده که بگوید بچه شما چه وسایلی به‌همراه داشت؟ یک لیست

کوتاه حداقل از من بگیرد. در توجیه خانواده‌ها واقعا کوتاهی کرد.»

فرهنگ

گزارش

صداوسیما در سالگرد ماجرای هواپیمای اوکراینی سکوت نکرد

روایت یک تراژدی

اعتماد کند. درمورد ماجرای هواپیمای اوکراینی، به جای اینکه بگویند هیچ اتفاقی نیفتاده است، روز اول می‌گفتند در روز دیگر نتیجه را بیان می‌کنیم، نه اینکه سکوت کنند. بحث مستند ما این بود که روایت اول را رسانه‌های ما بیان کنند، نه اینکه در فضای مجازی و رسانه‌های بیگانه منتشر شود. مسئولان باید به رسانه‌های داخلی اعتماد کنند، به قول آقای میرفتح نگاه دهه ۶۰ را ندانسته باشند. ببینید یک بحث مهم این است که باید اعتماد بین رسانه و حاکمیت اتفاق بیفتد. این موضوعات باید بیشتر ساخته شود تا این ملکه ذهن مسئولان شود که باید به رسانه اعتماد کند.» علیراده کمی هم از سختی‌های ساخت این مستند می‌گوید که خیلی‌ها می‌ترسیدند از اینکه صحبت کنند و ادامه می‌دهد: «با برخی اهالی رسانه هم صحبت کردم و متأسفانه ترس‌هایی که در وجود خود داشتند مانع از این می‌شد که مصاحبه کنند. برخی می‌گفتند اگر درباره هواپیمای اوکراینی صحبت کنیم همه فکر می‌کنند ضدانقلاب و ضدحاکمیت هستیم ولی این‌طور نیست، متأسفانه قدری بی‌اعتمادی وجود داشت که اهالی رسانه مصاحبه نمی‌کردند.»

او معتقد است، با یک مستند هیچ‌گاه آگاهی مردم افزایش نمی‌یابد و در این باره می‌گوید: «باید از این نمونه مستندها بیشتر ساخته شود که تأثیر کوچکی بگذارد، با ساخت یک مستند چنین اتفاقی نمی‌افتد. رسانه هم برکنه از واقعیت است یعنی باید واقعیت‌ها را انعکاس دهد ولی وقتی واقعیت‌ها بیان نشود رسانه هم نمی‌تواند کاری کند.»

علیراده درباره دغدغه‌ساخت این مستند می‌گوید: «این مساله مهم است. چرا باید خبرهایی را از شبکه‌های BBC و «ن» و «و» و رسانه‌های دیگر رها داشته باشیم؟ می‌تای کار مستند را بخواهم آرشو جمع کنیم، مجبورم به فلان آرشو BBC یا مستند من تو بروم. باید خودمان آن قدر فکت و اسناد داشته باشیم که سراغ این رسانه‌ها نرویم.»

بدون تعارف



برنامه بدون تعارف، روز ۱۳ دی‌ماه امسال به‌موضوع حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی اختصاص پیدا کرد و سازندگان در این قسمت سراغ مصاحبه با مادر شهید رها شهید را می‌گرفتند که به‌همراه همسرش در این هواپیمای سقوط کرده، گفت‌وگویی انجام دادند. یکی از نکاتی که درخصوص این بخش خبری مطرح شده این است که بهتر بود، با دیگر بازماندگان شهیدای سقوط این هواپیما هم صحبت می‌شد. مادر این شهید در این برنامه از ویژگی‌های این دو شهید و همچنین مواردی درخصوص پرورنده پرسیدگی به این حادثه گفت و برایش مهم است که بیشتر درمورد این موضوع صحبت کند که مسئولان کم‌کاری‌هایی درمورد پرورنده این هواپما داشتند و می‌گوید: «دختر به‌همراه داماد در این پرواز بودند که به فضا شهادت ثابث شد، رهاخانم متولد سال ۱۳۹۸ بودند و آقاعبده متولد سال ۶۶. رها دوران تحصیل را در قم گذراند و رشته فیزیک را در دانشگاه شریف انتخاب کرد، به‌خاطر آن تئاری که حساس می‌کرد و این که بتواند برای انقلاب و اسلام خدمتی بکند، تحصیل در این رشته را انتخاب کرده بود. همسرشان شهید محمد صالح هم کارشناسی ارشد را تمام کرده و دو سال دانشگاه شریف قطع دکتری در رشته برنامه‌نویسی کامپیوتر مشغول بود. اینها تصمیم گرفتند تجربه‌ای را کسب کنند و برای همین به کانادا رفتند تا برای مقطع دکتری در دانشگاه تورنتو مشغول تحصیل شوند. حدود دو سال بود که ازدواج کرده بودند و درکل زندگی این دو شهید عزیز یک سبک زندگی انقلابی بود. هم زمانی که در ایران بودند و هم زمانی که در کانادا بودند. دانشگاه که بودند عضو بسیج و خادم حیات الزهرا بودند که در دانشگاه شریف هست.»

او در ادامه به‌موضوع سقوط هواپیما پرداخته و می‌گوید: «شاید خیلی‌ها سوءاستفاده کردند از این قضیه‌ای که درخصوص این بحث هواپیمای اوکراینی پیش آمد تا بخواهند اصل نظام و ولایت‌فقیه را نشانه بگیرند، در این قضایا با محکم هستیم. کوچک‌ترین خدشه‌ای به اعتقادات یا ولایت‌فقه پیش از این را نداشت و به‌رحان این کالن کشور در انفعال به سر برده‌وموسی کرده‌ان را نادیده‌بگیرد و حالا با یک نگاه آسیب‌شانه سعی در بازخوانی یک زخم کهنه اما فراموش‌نشدن داشته است. سوال براین‌همچنان وجود دارد؛ آن‌انی‌که نام که مخاطب، ما در این قضیه، چه کنیم؟ چند برای سوالات و سئوال‌های مختلف، به این‌ها پاسخ باید به کجا مراجعه کنیم؟ دوگانی زیادی در جریان سقوط هواپما وجود داشت، از صداوسیما هم گزاره‌ها، اما در این‌ها خدانه‌خوایم بگویم یا بحث بعضی علتها را که برای ما مشخص نشده، این است که چرا پروازها را لغو نکردند؟ چرا بعد از دو سال هنوز به من مادر یک نفر زنگ نزده که بگوید بچه شما چه وسایلی به‌همراه داشت؟ یک لیست کوتاه حداقل از من بگیرد. در توجیه خانواده‌ها واقعا کوتاهی کرد.»

فیلم جدید «اسپایدرمن» درحال پیشی گرفتن از تایتانیک و پارک ژوراسیک



به گزارش مهر، به نقل از ددلاین، جدیدترین قسمت از مجموعه «اسپایدرمن» شنبه ۸/۳ میلیون دلار دیگر به فروش خود اضافه کرد و انتظار می‌رود تا پایان هفته آینده بیشترین فروش خود در آمریکای شمالی را به ۶۶۶/۹ میلیون دلار برساند و به این ترتیب با فیلم‌های «تایتانیک» و «دینامیک گدشتن ۶۵/۱۳ میلیون دلار فروش «تایتانیک، جیمز کامرون» دنبیل به ششمین فیلم پرفروش تاریخ آمریکا شود. این فیلم همچنین پیش از ژوراسیک ۶۵/۱ میلیون دلار فروش ریاست‌بر خواهد گذاشت. شرکت تحلیل داده‌های باکس آفیس آنلاین تی‌جی‌سی می‌گوید فیلم «اسپایدرمن» راهی به خدایت‌نیمت‌باحال‌توانسته در آمریکا کانا ۵۲/۴ میلیون قطعه‌فیل‌ت‌بفروش. به این ترتیب، حتی اوچود کسبه آمیگرون باعث شد خیلی‌ها در ژانویه خدایت‌نیمت‌بفروش، «اسپایدرمن» هنوز درمردم را به سینماها می‌کشاند و انتظار می‌رود فروش آخر هفته چهارم خود را به ۲۰۰ میلیون دلار از نمایش در ۲۰۱۲ پرده سینما برساند. فیلم موزیکال خداتوگدی «آواز بخوان ۲» با فروش تخمینی ۱۰۱۳ میلیون دلار پایان‌بخت‌بشده در رتبه دوم باکس آفیس آمریکا قرار می‌گیرد و فیلم «آواز بخوان ۲» ۲۱۳ میلیون دلار سوم می‌دود. این درحالی است که انتظار می‌رود ۲۰۵۵، بتواند با جمع پرستاره خود تا ۷ میلیون دلار در این هفته اول بفروشد. جسکا جنتین، لوبینا لوبینگ، و پتلیو کرو، دایان کروگر و ریمونگینگ، در این فیلم‌های «دینامیک گدشتن» و «دینامیت بین‌المللی» است. تیتیم تشکیل می‌دهد تا جلوی اتفاقی‌های در بزرگی را بگیرند. «آواز بخوان ۲» هم صدایشگان مطرحی ازجمله متیوک کاتنی، ریس ویتنرسون، اسکارت جوهاسون و ونو را خود دارد. اسپایدرمن پرفروش‌ترین فیلم سال ۲۰۲۱ میلادی شد و پس از آن به ترتیب دو فیلم «نبرد در دریاچه چانگ‌جین» و «اسلام مارن» قرار گرفتند.